

# خانه دوست

گزارشی از کتابخانه هنرستان حضرت  
معصومه(ص) شهرک وردآورد

فیروزه آراسته دبیر منطقه ۹ تهران

بررسی می شد، اما در زمان حال مردم به خواندن هیچ نوع کتابی علاقه نشان نمی دهند. با مشاهده تصاویر متعدد از کتابخانه های متفاوت در دنیا، متوجه شدم که کتابخانه های ما بیشتر به قبرستان کتاب و جایی نمور و بی انرژی شیاهت دار؛ نه نوری، نه گرمایی و نه چیدمان زیبایی؛ مانند گنجینه های ناب که فقط از آن نگهبانی می شود تا مبادا به سرقت رود یا قلم خورد و پاره شود. شرایط سخت عضو شدن، نبودن فضای کافی برای مطالعه در مکان کتابخانه و محدودیت های زمانی برای به امانت بردن کتاب؛ درست مانند یک زندانی که بخواهد از ساعت ملاقات خود بهره گیرد. من عقیده خود را بیان می کنم.

مدرسه اما کتابدار ندارد، اما مدیر مهربانی از اوقات فراغت معلمان سود می برد و با برنامه ریزی منظم، آنها را در کتابخانه جای می دهد تا به کار

از سال ۶۹ تا به امروز به حرفة معلمی مشغول هستم. در حال حاضر در هنرستان حضرت معصومه(س) در شهرک وردآورد، کیلومتر ۲۲ جاده کرج منطقه ۹ تدریس می کنم. با مجله های رشد همراه بوده ام و همه شوق و عشق معلمی را خط به خط در مطالب شما یافته ام، اما هیچ گاه فرصت نکردم که با شما رشد معلم همراهی کنم و از این جهت بسیار پشیمان هستم.

یک طرح برای کتابخانه های مدرسه ای دارم؛ چیدمان زیبا و رفاقت مناسب با دانش آموزان.

چشم هر آنچه ببیند می خواهد و انسان به ذات خویش زیبا پسند است. معماری و چیدمان کتابخانه ها از دیرباز مورد توجه کارشناسان بوده است. اما نوآوری و کاربرد ایده های خلاق، در این مهم، کمتر به چشم می خورد. کتاب نخواندن دغدغه امروز جامعه بشری است. در جامعه دیروز مطالعه نوع کتاب مطرح بود و کیفیت مطالعه





نو و بسیار زیبایی پهن شد با بالشت‌هایی کوچک به عنوان پشتی، تا دانش‌آموزان بتوانند، در هر حالت، آزادانه کتاب یا مجله مورد علاقه خود را مطالعه کنند.

تعدادی عروسک رنگارنگ در کنار بالشت‌ها چیده شده تا به یاد دوران کودکی، موجب شادی و لبخند آن‌ها شود. پرده‌های دور تخته آویزان کردیم (این مکان قبلاً کلاس درس بود)، همرنگ با رومیزی‌های چهارخانه سبز و زرد که یادآور رستوران است؛ جایی که دانش‌آموزان عزیز خوارک روح خود را مزه کنند.

در کتابخانه بیشتر اوقات باز است و همه هنرجویان آزادانه در رفت‌وآمد هستند. گاهی معلمان کلاس درس خود را در این مکان تشکیل می‌دهند تا هنرجویان در حین یادگیری، نظری به کتاب‌ها بیندازند. چند نوع وسیله بازی و سرگرمی هم روی موکت قرار داده‌ایم تا اگر دانش‌آموزان

کتابداری و تحويل کتاب به هنرجویان پیردادزنند. در مدرسه ما بیشتر مریبان با کتاب‌های جدید در دست حضور پیدا می‌کنند و دانش‌آموزان کنچکاوانه در پی آن هستند که درباره کتاب و کتاب‌خوانی با معلمان تعامل داشته باشند و از این طریق رابطه بیشتری برقرار کنند و افکار مشترک بین خود و راهبردانش را بیابند.

**خانم مرزبان** سرامد همه آن‌هاست. همچنین خانم‌ها بزازی، **دانشگر و آرمان فر و سایر معلمان**. همه درباره تازه‌های کتاب با هم گفت‌و‌گو می‌کنند و مبادرات پایاپای کتاب در

مدرسه ما به تجاری بزرگ تبدیل شده است. گام بعدی ما، حرکتی گروهی برای تغییر جای کتابخانه از طبقه دوم به طبقه اول بود تا دانش‌آموزان دسترسی بهتری به آن داشته باشند. سعی کردیم چیدمان کتاب مانند رستوران و خانه باشد؛ به همین منظور، در کنار کتابخانه، موکت

کدام محروم‌ترند؟  
کسی که کتاب خوب دارد، ولی وقت ندارد  
با آن‌که وقت دارد، ولی کتاب خوبی در دست

کتاب جا می‌ماند!  
ای کاش صفحه‌ای از کتاب تا می‌خورد!  
ای کاش کتاب خط خورده بود!  
ای کاش برگی از کتاب پاره می‌شد!  
ای کاش کتابی گم می‌شد!  
ای کاش لای کتاب برگ‌های گل بود!  
ای کاش لای کتاب پول بود!  
ای کاش کتابی فرسوده و کهنه می‌شد،  
خوانده می‌شد!  
کتابی که ورق نخورد، یعنی جنگلی که خشکیده  
و سوخته باشد.

از خواندن کتاب خسته شدند، با دوستان خود بازی کنند.

در اینجا کسی به آن‌ها هیس نمی‌گوید، اینجا بیمارستان نیست. کسی هم نمی‌خوابد. همه بیدارند، سرمست و شادند و برای هم بلند بلند کتاب می‌خوانند. چه خوب می‌شد نام کتابخانه را در مدارس به «مقال خانه» تغییر می‌دادیم.

در نقال خانه همه برای هم کتاب می‌خوانند و تجربه‌های خود را به هم منتقل می‌کنند و دوستی‌های زیبایی بین افراد بوجود می‌آید! همین طور که در تصاویر مشاهده می‌کنید، خانم برازی از کتاب شازده کوچک‌الحجم مطلب می‌خواند. وجود چنین ساعت‌های نقال خوانی در مدارس ضروری است.

همه دانش‌آموزان به کتاب‌ها دسترسی دارند و آزادانه آن‌ها را مس و انتخاب می‌کنند.

اینجا خانه دوست است، همان یار مهربان. کتاب‌ها سخن می‌گویند و آفتاب نور می‌تاباند. در نقال خانه ما شور زندگی حس می‌شود. شاید صد درصد همه دانش‌آموزان ما به کتاب خواندن روی نیاورده‌اند، اما وجود نمان آسوده است که همه‌تون خود را برای پیشیرد کتاب خوانی به کار بردایم.

به مدرسه ماسر بزنید. خوشحال می‌شویم که جزیره آموزشی ما با اتصال به کمک‌ها و توجه شما، شبه جزیره شود.

پیام‌نما: ای کاش ته استکان چای بر صفحات

